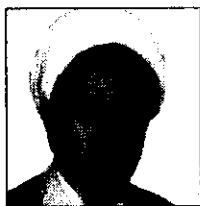


مقاله



احمد اسلامی

قانون اساسی، راهبرد مشروعت دولت شهر نبوی

محبت‌السلام دکتر احمد اسلامی متولد سال ۱۳۳۳ از بزرگان کاشان و دانش‌آموخته حوزه می‌باشد. از سال ۱۳۵۴ برای ادامه تحصیل در سطوح عالی و خارج به قم عزیمت کرده است. سطح عالی فقه و اصول را به ترتیب نزد آیت‌العالمان صلامی و آیت‌الله سبحانی محقق داماد گذرانده و سپس در درس شرح اصول آیت‌الله فاضل لنکرانی و درس خارج فقه آیت‌العالمان مستطین حرکت کرده. با برگزاری دانشگاه‌ها پس از انقلاب فرهنگی به عنوان مدرس وارد دانشگاه شد و در دانشگاه‌های کاشان و اصفهان در حوزه علوم اسلامی مشغول تدریس بوده که تکلیف نیز ادامه یافته است.

و در آنجا پناه گرفت و آرام گرفت، افزودن بر چالش نبود یک مرکزیت، و جبهه نسبتاً گسترده دشمن، با دو چالش بزرگ دیگر نیز روبرو بود؛ دو چالشی که دست کم وحدت همگانی و تمامیت سرزمینی را دچار تنش و تشنج کرده و امنیت ملی را ناپایدار و بلکه ناشدنی می‌ساخت.

این دو چالش عبارتند از: ۱- ساختار سیاسی- اجتماعی و بافت نیروی انسانی یرب، ۲- پندار و رفتار جاهلی ته‌نشین شده در گوشه گوشه دل و دماغ مردم و حتی نو مسلمان‌ها.

یرب آن زمان شهری تک‌ساختی و یکپارچه نیست، هویت‌های گوناگون و پراکنده‌ای در آن زندگی کرده و به شهر ساختار ویژه و پیچیده‌ای داده‌اند. بومیان یرب، عمدتاً نوادگان مهاجران یمنی (عربستان جنوبی) هستند. اینان که در چشم‌انداز تاریخی از پیشینه تمدنی نسبتاً روشنی برخوردارند، بر کیش و آیین دو گانه پرستی (شعرک) زندگی می‌کنند. البته وقته‌رفته پاره‌ای از اینان به کیش‌های آسمانی گراییده و پیوسته‌اند و به اصطلاحی مسیحی و یا یهودی شده‌اند و به نازگی طی سال‌های دهه سوم قرن هفتم میلادی، گروه قابل توجهی مسلمان شده‌اند که در ساختار «مدینه‌النبی» گروه «انصار» را تشکیل می‌دهند. افزون بر این اقلیت‌ها احتمالاً شریعتمداران دیگری نیز در یرب زندگی می‌کنند که در ادبیات و حیاتی و تاریخی از آنان به عنوان «صائین» یاد شده است.

است، زیرا در میان همه آن سازوکارها، تنها راهبردی که به مثابه «سند چشم‌انداز» می‌تواند «شناسه» سوگیری مدنیت جنبش اسلامی پیامبر در آن زمان و زمین باشد، راهبرد تدوین منشور سیاسی و قانون اساسی است.

روشن‌سازی این نکته نیازمند آشنایی بهتر و بیشتر با تاریخ-جغرافیایی عمومی یرب است. برابر اسناد تاریخی، هنگامی که پیامبر پس از بیعت مردم و با آهنگ پایه‌گذاری یک واحد سیاسی به یرب در آمد

جنبش فرازمندگرای اسلام که با بعثت محمد بن عبدالله به عنوان آخرین فرستاده خدا آغاز و در بستری از فراز و نشیب، پا گرفته و روند سامان یافته پیدا کرد، در پاره نخست از زندگی خود - چنان که روشن است - دو دوره را آزمون کرده و به تجربه گذارده است: الف: دوره مکی یا دوره تکوین ملت، ب: دوره مدنی یا دوره تأسیس دولت

پیامبر اسلام پس از آن که در مکه جنبشی اعتقادی- اخلاقی پدید آورد و از رهگذر تربیت منظومه‌ای از افراد، پیش‌نیاز پایه‌گذاری نهاد ملت- دولت را فراهم ساخت در دوره دوم زندگی پس از بعثت، یعنی دوره مدنی بر پایه بیعت گروهی از مردم یرب، دست‌اندر کار تأسیس نهاد دولت شد. در این راستا با توجه به روند ورود اسلام به یرب و ویژگی‌های این شهر از یک سو و نیز با توجه به استراتژی دوره مدنی و چالش‌های پیش‌رو از سوی دیگر، تدابیری اندیشیده و به اجرا گذارد.

- شماره‌ای از پایه‌های ترین راهبردهای ساخت دولت در ماه‌های نخست حضور در یرب، به این قرار است:
- ۱- تأسیس یک مرکزیت با تکیه بر راهبرد ساخت مسجلمنبری
 - ۲- تعمیق وحدت دینی با تکیه بر راهبرد عقد اخوت
 - ۳- تحکیم وحدت ملی با تکیه بر راهبرد تدوین قانون اساسی
 - ۴- تأمین امنیت مرزی با تکیه بر راهبرد عقد پیمان‌نامه‌های سیاسی نظامی
- ۵- تشکیل سازمان دفاعی با تکیه بر راهبرد درزمایش و ماتورهای نظامی
- اما از این میان، آنچه در کانون توجه این نوشتار جای دارد و به آن پرداخته خواهد شد، راهبرد ساختارگرایانه تدوین «قانون اساسی» در آستانه دولت‌سازی در یرب

سازمان‌های ایران اسفند ۸۷ و فروردین ۱۳۸۸

دوم (بیعه الحرب، بیعتی که شمار زیادی از مسلمانان یثرب در موسم حج سال ۱۳ بعثت در محل عقبه منی با پیامبر بستند) به دستور پیامبر و در شرایط کاملاً اضطراری راهی یثرب شدند و در این شهر آرام گزیدند و به همین سبب این دسته از مسلمانان در ساختار مدینه النبی، گروه مهاجران را تشکیل می دهند. بدیهی است این دسته گرچه مسلمانند و با گروه انصار، در کیش و آیین برادر و برابرند، اما تفاوت های تاریخی، اقلیمی، ملی و فرهنگی فراوانی دارند و همین هاست که می تواند چنانچه گسل در هنگامه ظهور و بروز لرزه های سیاسی-اجتماعی، زلزله زوگسست آفرین باشد.

افزون بر اینها، در حاشیه شهر، مهاجران دیگری زندگی می کنند که از دیرباز و با انگیزه های سیاسی، از منطقه بیت المقدس کوچیده و اینجا را آوردگاه مقاصد سیاسی-اقتصادی خویش قرار داده و سکنی گزیده اند. این دسته از مهاجران فلسطینی که در کیش و آیین بر شریعت موسی پیامبر و یهودی هستند دوسه طایفه با نام های بنی قینقاع، بنی نظیر و بنی قریظه از هم متمایز می شوند.

این دسته از یهودیان، با وجود این که در حاشیه شهر زندگی می کنند، اما با توجه به آن انگیزه و انگیزه، به تدریج از طریق احداث تأسیسات زراعی و پایگاه های دفاعی و نظامی به شکل نیروی مسلط بر شهر در آمده و در نتیجه زراعت و سیاست شهر را در دست گرفته و قطب قدرتمند حاکم بر یثرب شده اند.

اینها و ده ها عنصر دیگر و از جمله رسوایت فکر جاهلی در زوایای ذهن و زبان مردم، عامل پراکندگی و فراوانی هویت های انسانی و اجتماعی شهر شده و به این شهر ساختار ویژه و پیچیده ای داده است. «قبیله» بهترین و اصلی ترین واحد انسانی است که ساختار اجتماعی شهر را تعریف می کند و چنین است که شهر روی خط گسل قرار گرفته و زلزله خیز شده است.

روشن است که نگارگری یک نظام واحد سیاسی و پایه گذاری یک دولت در شهری این چنین زلزله خیز ممکن نیست مگر به شرط ایجاد یک هویت واحد اجتماعی که در آن همه افراد باغ از هویت های نژادی، قومی، قبیله ای و مذهبی به مثابه یک شهر و نده در پرتو نظم حقوقی کلیت گره زندگی یافته و از هنجارهای موقفت به برخوردار باشند. به نظر می رسد پیامبر در آن موقعیت چنین کرد، یعنی در شهری آن چنان زلزله خیز دست اندر کار ابتکار عملی برای ایجاد یک هویت واحد اجتماعی و سیاسی شد.

برابر گزارش تاریخ نگاران، پیامبر در ماه های نخست حضورش در یثرب با توجه به خطر گسل ها و گسست ها و به منظور تحکیم وحدت ملی افزون بر تعمیق وحدت دینی بدو یک اقدام نوین سیاسی، اجتماعی، دست اندر کار تدوین و تصویب منشوری راهبردی شد. این منشور که دارای ماهیت حقوقی و قضایی است، نزد محمد رسول الله از جایگاه و پایگاه بنسند و بالایی بر خوردار بوده است. به گواهی این که طی آن، هشت بار

بر مینا بودن این «صحیفه» و لزوم حرمت و رعایت آن در قالب های تعبیری مختلف، تأکید و تکرار شده است و این گویای آن است که وی به نام «قانون» به استقبال از «مدینه النبی» و معماری آن برخاسته و این نیز گزارشگر آن است که در نگاه و نگرش ایشان، نهاد قانون و حقوق از زیر ساخت های اصلی و اساسی معماری شهر و شهر وندی است.

افزون بر آن، آغاز و انجام این منشور (=صحیفه) با عنوان «کتاب» بر نبشته و ثبت شده است و این نکته نیز آن خوانش را گواهی کرده و نشان می دهد که آنچه در این متن آمده از نوع «بیانیه» نبوده و بلکه از نوع «قرارداد دو جانبه» و به مثابه «میتاقی» میان پیامبر و

در میان همه آن سازوکارها، تنهارا همدردی که به مثابه «سند چشم انداز» می تواند «شناسه» سوگیری مدنیت جنبش اسلامی پیامبر در آن زمان و زمین باشد، راهبرد تدوین منشور سیاسی و قانون اساسی است

مجموعه مردم ساکن در یثرب و کسانی که به حکم عرف حقوقی آن روز، تابعیت یثربی ها را داشته و یاسی پذیرند یک دستور العمل و لازم الاجرا بوده است، چنان که در سر آغاز این «صحیفه» آمده است: «هذا کتاب محمد النبی (رسول الله) بین المؤمنین و المسلمین من قریش و اهل یثرب و من تبهم فلیحق بهم و جاهد معهم...» (ابن هشام، ج ۲، ص ۱۱۹)

نکته در خور درنگ آن است که پیامبر به موجب ماده ۱۳۹ منشور، یثرب را برای کسانی که این میثاق را پذیرفته و گردن نهاده اند «حرم» نامیده و چنین مصوب کرده است که: «و ان یثرب حرام جوفها لاهل هذه الصحیفه...» (همان، ۱۱۲)

مفهوم «حرم» با توجه به کارکردش در ادبیات دیوانی آن روز، دارای بار سیاسی-افزون بر بار فقهی و نشانگر آن است که ابتکار عمل پیامبر مبنی بر تدوین و تصویب این منشور، آغازی است برای ایجاد یک دولت شهر. بویژه آن که در ماده ۲ منشور آمده است که: «انهم امه واحده من دون الناس» مجموعه کسانی که این میثاق را پذیرفته و در چتر حمایتی آن در آمده و بدین سان نظم و انتظام دولت شهر یثرب را گردن نهاده اند، به مثابه «امت واحده» در برابر دیگران هستند. (همان، ۱۱۹)

بررسی واژه های کلیدی «کتاب»، «صحیفه»، «امت» و «حرم» در این منشور و ارزیابی محتوایی مواد پنجاه گانه آن (حمید الله، ۱۳۶۶، ص ۲۲-۲۱) گویای آن است که بانی و معمار نوین یثرب، اندیشه ای به غایت

ساخت گریانه داشته و به همین جهت در پی بیعت عقبه دوم بر آن شده است تا در آن زمان و زمین، دولت شهری را سامان داده و پایه گذاری کند و چنین است که «یثرب» تغییر نام داده و عنوان «مدینه» به خود می گیرد. «مدینه» در برابر واژه های مشابه و مرادفی مانند «بلد» و «بلده» به شهری گفته می شود که: الف: دارای مرزهای تعریف شده ای به مثابه «حرم» باشد. ب: مردم در آن امن و امان یافته و آرام گیرند.

ج: در آنجا روابط و مناسبات افراد با یکدیگر بر اساس مهریانی، همسازی، همزیستی و دانایی استوار باشد.

به نوشته «اقراب الموارد» وقتی گفته می شود: «تمدن الرجل = فلاتی تمدن شده است» یعنی اخلاق مدنی به خود گرفته و از ذیلت کینه توزی و خشونت، گسستگی، عداوت، نادانسی و جهالت گذر کرده و پیراسته شده است و به فضیلت مهریانی، عطف، همسازی، رفاقت، دانایی و معرفت در آمده و آراسته شده است. (اقراب الموارد، واژه مدینه) و این اجمالاً برابر همان مفهومی است که در ساختار گفتمانی جامعه شناختی عصر مدرنیته به عنوان «شهری گری» و شهر وندی «تعبیر می شود.

«مدینه النبی» (دولت شهر نبوی)

۱- یک واحد سیاسی برخوردار از یک روح اجتماعی (امت) است. (ماده ۲)

۲- که در آن هویت و اراده مستقل همه افراد به رسمیت شناخته شده و از حقوق برابر و آزادی های مدنی و مذهبی برخوردارند و در واقع هر فرد یک «شهر وند» مقتدر است. (مواد ۱۵، ۱۷ و ۲۵ و نیز بنگرید به مواد ۲۶، ۳۵، ۴۵ و ۴۶)

۳- و بر این پایه، شهر وندان در قالب اتحادیه ها و فدراسیون ها تشکیل یافته و در چرخه گروه های اجتماعی و نهادهای مدنی در اداره جامعه مشارکت کرده و فعال می شوند. (مواد ۱، ۳، ۲۵، ۴، ۱۲، ۳۷، ۴۴ و ۴۵)

۴- و نیز همه شهر وندان «فان غ از هویت های قومی، قبیله ای، ملی و مذهبی» بر پایه منافع مشترک ملی و مصالح عمومی، هویت اجتماعی واحدی پیدا کرده و انسجام یافته اند. (مواد ۲، ۱۳، ۱۹، ۲۰، ۳۷، ۳۹، ۴۴ و ۴۵)

۵- هویتی آن که آزادی های فردی و مدنی محدود و مسدود نباشد، اما بر پایه بیعت عمومی و میثاق مدنی، نهاد دولت شکل گرفته و در ساختار آن قدرت مرکزی تعریف شده که به اقتضای آن زمان و زمین - با وجود این که پیامبر در امور داخلی و اجتماعی دخالت نمی کند - امامادوری، فرماندهی و دیپلماسی خارجی را برای خود محفوظ می داند. (مواد ۱، ۲۳، ۳۶ و ۴۲)

۶- به این ترتیب، در دولت شهر نبوی، نهادهای اجتماعی و روابط انسانی بر پایه آزادی و عدالت، برادری، برابری، مشارکت، همسازی، همزیستی و نیز تأمین اجتماعی نظام یافته و ساختار سازی می شوند (بیشتر مواد منشور)

۷- اولی آنچه در این میان مهم است و در دولت

شهرنوی به مثابه عامل ساختار ساز، نقش محوری داشته و در واقع درون مایه اقدام‌های ابتکاری و اصلاحی پیامبر در راستای نهادینه‌سازی نظم و بنیادگذاری نظام به شمار می‌رود، عنصر «قانون» است.

در زیر مواردی از آن منشور یاد شده - که گویای قانون محوری دولت شهرنوی است - را بازخوانی می‌کنیم تا جایگاه و پایگاه بلند آن در نگاه و نگرش پیامبر بهتر روشن و آشکار شود.

ماده ۱: این نوشته، پیمان‌نامه‌ای از محمد پیامبر است تا به مثابه میثاقی در میان مؤمنان (مسلمانان یثرب) و مسلمانان قبیله قریش (مهاجران مکی) و (دیگر مردم) یثرب و کسانی که پیرو آنان شوند و به آنان پیوندند و با ایشان (در راه خدا) پیکار کنند، مینا قرار گیرد.

ماده ۲: چرا که امضا کنندگان و معاهدان به این منشور، در برابر دیگران یک «امت» هستند.

ماده ۲۲: برای هیچ مؤمنی که این منشور را گردن نهاده و به خدا و روز رستاخیز باور دارد، روانیست که ماجراجوی هنجارشکنی (آدم کشی) را یاری داده و پناه دهد....

ماده ۳۷: بر یهودیان و مسلمانان بایسته است تا یکپارچه معاهدان به این منشور را در برابر ستیزه گران یاری دهند.

ماده ۳۹: یثرب برای معاهدان این منشور چون «حرم» است و (جان، مال و شخصیت) هر کس در آن محترم است.

ماده ۴۲: هر گاه بین معاهدان به این منشور ستیزی و یا کشمکش تباہی‌زا رخ داده و پیش آید، داور رسول خداست، چه آن که خشنودی خدا در این منشور است و اراده او بر پاسداری آن است.

ماده ۴۶: یهود طایفه اوس - خود و آزادشدگانشان - دارای همان حقوق و تعهداتی هستند که امضا کنندگان این منشور از آن برخوردارند، البته به شرط روابط نیکو با امضا کنندگان این منشور و (نیز) البته باید نیکو کاری (با پداری بر این منشور) باشد، نه تجاوزگری و پیمان شکنی، چه آن که خدا گواه راستینی بر این پیمان‌نامه و میثاق است و آن را پاس می‌دارد.

ماده ۴۷: البته این منشور نباید چتر ایمنی ستمگرو یا تبهکاری قرار گیرد. شهروندان مدنی - چه در سفر و چه در حضر - دارای حرمت و حقوق شهرنوی هستند و مصونیت دارند، مگر آن که ستمگرو یا تبهکار باشند.

بررسی و کاوشگری این منشور و بویژه مواد هشت گانه آن، اندیشه ساخت گریانه و راهبردی پیامبر را در ساماندهی و سازمان بخشی جامعه و اداره آن نشان می‌دهد.

مواد ۲ و ۳ گویای آن است که بن مایه پایه‌ریزی یک واحد سیاسی و درون مایه اصلاحات ساختاری و آنچه به مثابه ستون فقرات به جامعه، قوام و بر مناسبات و روابط انسانی و اجتماعی افراد، نظام می‌بخشد و عامل پدیداری «امت» می‌شود، قانون اساسی به عنوان میثاق ملی است.

ماده ۲۲ اهمیت و حرمت قانون اساسی را در نگرش رسول الله نشان می‌دهد، چرا که تعهد به آن همبای ایمان به خدا و روز رستاخیز دانسته و بر شمرده شده است.

ماده ۳۷ گویای آن است که نماد روح اجتماعی و هویت جمعی که همبستگی و یکپارچگی می‌آورد و همه شهروندان را در برابر دیگران نسبت به یکدیگر متعهد و مسئول می‌کند و در واقع مرز خودی و غیر خودی به شمار می‌رود، قانون اساسی است.

ماده ۳۹ یثرب را حرم دانسته و شهروندان آن را محترم می‌داند، چنان که در ماده ۴۷ نیز بر حرمت شهروندان مدنی - چه در سفر و چه در حضر - تأکید شده. بدیهی است که «حرم» دارای مرزهای جغرافیایی است و پیامبر نیز یثرب را مرزبندی کرد (حمید الله، ۱۳۷۴، ص ۱۱۲)، چنان که حرم خدا (شهر مکه) هم دارای مرزهای جغرافیایی تعریف شده است، اما آنچه درون مایه حرم و عاملی است برای حرمت شهروندان، تعهد و التزام نسبت به قانون اساسی است.

ماده ۴۲ پیش‌بینی کرده است که میان معاهدان

برابر گزارش تاریخ نگاران، پیامبر در ماه‌های نخست حضورش در یثرب با توجه به خطر غسل‌ها و گسست‌ها و به منظور تحکیم وحدت ملی - افزون بر تعمیق وحدت دینی - در یک اقدام نوین سیاسی، اجتماعی، دست‌اندر کار تدوین و تصویب منشوری راهبردی شد. این منشور که دارای ماهیت حقوقی و قضایی است، نزد محمد رسول الله از جایگاه و پایگاه بلند و بالایی برخوردار بوده است. به گواهی این که طی آن، هشت بار بر مبنابودن این «صحیفه» و لزوم حرمت و رعایت آن تأکید و تکرار شده است و این گویای آن است که وی به نام «قانون» به استقبال بر خاسته و این نیز گزارشگر آن است که در نگاه و نگرش ایشان، نهاد قانون و حقوق از زیرساخت‌های اصلی و اساسی معماری شهر و شهروندی است

به این منشور - و در واقع میان خودی‌ها ممکن است ستیز و کشمکش رخ دهد، بدیهی است که چنین پدیده و رخدادی امنیت و وحدت ملی را به طور جدی آسیب پذیر کرده و افزون بر آن حرمت قانون را خدشه دار می‌کند و به تدریج هنجارشکنی را رومی دارد و اگر چنین پدیده‌ای روند و روال گردد و فرهنگ شود، جامعه و نظام با خطر فروپاشی روبه‌رو می‌شود. اینجاست که به اقتضای ساختار حکومت و دولت در آن عصر و مصر - پیامبر مشخصاً مسئولیت داوری را گردن نهاده و می‌پذیرد تا از رهگذر درمان این ستیزندگی و پیشگیری از پس لرزه‌های آن، ضمن آن که جامعه و نظام از خطر در هم ریختگی و فروپاشی مصون می‌ماند، منزلت و حرمت قانون هم بیمه شده و خدشه دار گشته و نشکند، چه آن که در زیر این ماده تأکید شده که «خشنودی خدا در این منشور است و اراده او بر پاسداری آن است»، چنان که در زیر ماده ۴۶ نیز بر این نکته با فشاری شده و گزاره‌ای به این بیان آمده است: «... خداوند گواه راستین این میثاق است و آن را پاس می‌دارد...»

ماده ۴۶ قانون تابعیت شهرنوی را تعریف کرده و با تکیه بر نکته‌ای که در بالا آمد، شرط برخورداری از امتیازات و حقوق شهرنوی را برای تابعان، یعنی کسانی که تابعیت شهروندان یثرب را پذیرفته‌اند، نیک رفتاری با امضا کنندگان و معاهدان به این منشور می‌داند.

ماده ۴۷ تأکیدی دو جانبه دارد، هم بر حق حرمت و مصونیت شهروندان و هم بر حق حرمت قانون و به این ملاحظه تأکید می‌کند که قانون نباید چتر ایمنی ستمگرو یا تبهکاری قرار گیرد.

درنگ و دقت در این کنش ابتکاری و اصلاحی، یعنی تدوین و تصویب منشور سیاسی و میثاق ملی و ارزیابی مواد آن و بویژه مواد بازمینی شده هشت گانه‌ای که در بالا آمد، گویای آن است که در نگاه و نگرش پیامبر، میثاق ملی و قانون اساسی، بسند مشر و عیت نظام و راهبردار اداره جامعه است، چه آن که وی گرچه فرستاده خدا و دارای شریعت و کتاب آسمانی است، اما با وجود آن، در آستانه ساماندهی نخستین تجربه دولت شهر، دست‌اندر کار تدوین قانون اساسی و تصویب آن می‌شود و این به آن معناست که ارتقای مجتمع بشری به نام بلند معنویت و اخلاق «عمود» می‌شود و عمود آن «قانون» است.

منابع:

- ۱- ابن هشام، ۱۴۱۱ ه. ق. سیره النبی، تحقیق: محمد محی الدین عبدالحمید، ج ۱، دار الفکر.
- ۲- حمیدالله، محمد، ۱۳۶۶ ه. ش. اولین قانون اساسی مکتوب در جهان، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، تهران، مؤسسه انتشارات بعثت، چاپ دوم آذر ۱۳۶۶.
- ۳- حمیدالله، محمد، ۱۳۷۴ ه. ش. نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد و اسناد صدر اسلام، ترجمه دکتر سید محمد حسینی، تهران، سروش، چاپ اول ۱۳۷۴.